

کسی که عاشق شود و عشق وجود او را فرا گیرد، از حرص و حریص بودن که در ابیات قبلی بدان اشاره شد، جدا می‌شود. و بطور کلی از تمام عیوب منزّه می‌گردد.

شاد باش ای عشقِ خوش سودایِ ما ای طیبِ جمله علّت‌های ما

سودا: یکی از اخلاط چهارگانه (صفرا، سودا، بلغم، خون) که غلبه آن مورث امراض عصبی و خیال است و بدین مناسبت مالیخولیا^۱ را سودا می‌گویند. خیال غالب بر وجود، معامله و داد و ستد^۲.

طلب کردن اُمّتِ عیسیٰ علیّه السلام از اُمّرا که ولیمه از شما کدام است

منتها این سودای می‌تواند بقیه بیماری‌ها را معالجه کند.

^۱Melancholy

^۲شرح مثنوی شریف، جزو نخستین، صفحه ۲۸، فروزانفر